روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# روزنامه شرق

سه‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵ • ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ • ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۵۵۳۵ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح فردا ۵:۲۲ • طلوع آفتاب ۶:۵۰



آیین رونمایی از مجسمه جهان‌پهلوان غلامرضا تختی با حضور رئیس فدراسیون کشتی و جمعی از قهرمانان و پیش‌کسوتان کشتی کشور و تعدادی از اعضای شورای اسلامی شهر تهران یکشنبه یکم آذرماه در در خیابان وحدت اسلامی برگزار شد. عکس: علی احمدوند، خبرگزاری آنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

یاد

## غلامرضا نیکخواه درگذشت

غلامرضا نیکخواه، بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون که در سال‌های اخیر در آثار کمدی و رئالیتی‌شوهای مختلف حضور داشت، دوشنبه دوم آذر بر اثر سکته قلبی درگذشت. نیکخواه را بسیاری با مجموعه‌های مهران مدیری به یاد دارند، اما او در فیلم‌ها و سریال‌های مختلفی بازی کرده است. نیکخواه متولد اول فروردین ۱۳۲۷ بود. او در همکاری با رضا عطاران و مهران مدیری و بازی در سریال‌های طنز همچون «نوروز ۷۲»، «پرواز ۵۷»، «بزنگاه»، «مرد هزارچهره» و همچنین حضور در رئالیتی‌شو «جوکر» به شهرت رسید. این روزها سریال «مرد سه هزار چهره» و «میمون مست» با بازی او در حال پخش است.

یادداشت

## رؤیایی که به حقیقت تبدیل می‌شود

**علی مرسلی:** سرطان بیماری ترسناکی است. هرچقدر هم که راه‌های کنترل و درمان سرطان پیشرفت کرده باشد، این بیماری همچنان برای بشر امروز ترسناک است؛ بشری که دیگر مانند گذشته قربانی عفونت زخم‌ها، وبا و طاعون نمی‌شود، اما همچنان در برابر سرطان آسیب‌پذیر است. واکسن سرطان سال‌ها در شمار رؤیاها و آرزوهای پزشکان بوده است؛ اما حالا باید باور کنیم این رؤیا در حال تبدیل‌شدن به واقعیت است و واکسن‌های سرطان حتی به مرحله تولید و آزمایش‌های بالینی پیشرفته رسیده‌اند. در سال‌های اخیر، فناوری mRNA که با تولید واکسن‌های کرونا به شهرت جهانی رسید، به یکی از امیدهای مهم علم پزشکی در مبارزه با سرطان تبدیل شده است. شرکت آمریکایی مدرنا (Moderna) با همکاری شرکت داروسازی مرک (Merck)، در حال توسعه نوعی واکسن اختصاصی سرطان است که می‌تواند رویکرد درمان برخی از بدخیمی‌ها را متحول کند. این واکسن، برخلاف واکسن‌های معمولی، برای هر بیمار به‌صورت اختصاصی طراحی می‌شود. اساس کار آن بر شناسایی ویژگی‌های ژنتیکی سلول‌های سرطانی هر فرد است. پس از برداشتن تومور، نمونه بافت سرطانی از نظر جهش‌های ژنتیکی بررسی می‌شود. سپس با استفاده از فناوری توالی‌یابی ژنتیکی و الگوریتم‌های محاسباتی، جهش‌هایی شناسایی می‌شوند که می‌توانند پروتئین‌هایی با قابلیت شناسایی توسط سیستم ایمنی تولید کنند. در مرحله بعد، بر اساس این اطلاعات، واکسنی حاوی مولکول mRNA طراحی می‌شود. این مولکول پس از تزریق به بدن، به سلول‌ها دستور می‌دهد قطعاتی از آنتی‌ژن‌های اختصاصی تومور را تولید کنند. سیستم ایمنی با شناسایی این آنتی‌ژن‌ها، به‌ویژه از طریق سلول‌های ارائه‌کننده آنتی‌ژن، لنفوسیت‌های T را فعال می‌کند تا سلول‌های سرطانی باقی‌مانده را شناسایی و نابود کنند. به بیان ساده، این واکسن به سیستم ایمنی آموزش می‌دهد سلول‌های سرطانی بدن خود فرد را تشخیص دهد و به آنها حمله کند. یکی از ویژگی‌های مهم این روش، ترکیب آن با داروی ایمونوتراپی کیترودا (Pembrolizumab) است. این دارو بخشی از ترمزهای طبیعی سیستم ایمنی را برمی‌دارد و به سلول‌های T اجازه می‌دهد فعالیت ضدسرطانی خود را مؤثرتر انجام دهند. بنابراین، در این ترکیب، واکسن نقش شناسایی و آموزش سیستم ایمنی را بر عهده دارد و کیترودا به تقویت عملکرد سلول‌های ایمنی کمک می‌کند. اهمیت این فناوری زمانی بیشتر مشخص می‌شود که بدانیم نتایج مطالعات بالینی آن در بیماران مبتلا به ملانوم (نوعی سرطان پوست) امیدوارکننده بوده است. در گزارش نتایج دوساله، کاهش حدود ۴۲درصدی خطر عود بیماری یا مرگ در گروه دریافت‌کننده ترکیب واکسن و کیترودا گزارش شده است. البته باید توجه داشت این روش هنوز به معنای کشف درمان قطعی سرطان نیست و نتایج آن را نمی‌توان به همه انواع سرطان تعمیم داد. با این حال، اهمیت دستاورد مدرنا فراتر از تولید یک واکسن جدید است؛ این فناوری نشان‌دهنده حرکت پزشکی از درمان‌های یکسان برای همه بیماران به سوی درمان‌هایی است که بر اساس ویژگی‌های ژنتیکی بیماری هر فرد طراحی می‌شوند. شاید در آینده به‌جای آنکه صرفا بپرسیم بیمار به چه نوع سرطانی مبتلاست، بتوانیم با بررسی دقیق ویژگی‌های ژنتیکی تومور او، درمانی اختصاصی برای همان بیمار طراحی کنیم. حتی می‌توان یک گام فراتر رفت و بر اساس ژنوم فرد و بستگانش، بسته‌ای از واکسن‌های پیشگیرانه سرطان برای او و خانواده‌اش طراحی کرد. طبیعی است واکسن اختصاصی سرطان ارزان نخواهد بود، اما ارزش جان انسان‌ها طبیعتا چنین هزینه‌ای را توجیه می‌کند.

فردا از امروز

## وقتی ندانستن بخشی از تصمیم است



امیراحمدشیشه‌گر

تصمیم خوب همیشه از اطلاعات کامل به دست نمی‌آید؛ گاهی هنر اصلی، تصمیم‌گرفتن بدون پنهان‌کردن عدم قطعیت است.

مدیران معمولا برای تصمیم بهتر داده بیشتری می‌خواهند. این خواسته منطقی است، اما یک مرز دارد: برخی نادانسته‌ها با جمع‌آوری اطلاعات بیشتر از میان نمی‌روند. وقتی فناوری، سیاست، رفتار اجتماعی و اقتصاد هم‌زمان تغییر می‌کنند، ممکن است حتی درباره شکل مسئله در چند سال آینده نیز اطمینان نداشته باشیم.

میان «ریسک» و «عدم قطعیت» تفاوت مهمی وجود دارد. در ریسک، می‌توانیم دست‌کم تقریبی از احتمال‌ها داشته باشیم؛ مثلا براساس سابقه بدانیم احتمال خرابی یک وسیله چقدر است. اما در عدم قطعیت عمیق، ممکن است درباره مدل درست، احتمال رویدادها یا حتی ارزش‌گذاری پیامدها توافقی وجود نداشته باشد. برای مثال، تصمیم درباره یک زیرساخت ۳۰ساله را در نظر بگیرید. هزینه ساخت را می‌توان نسبتا دقیق محاسبه کرد، اما قیمت انرژی، فناوری حمل‌ونقل، الگوی سکونت، مقررات محیط‌زیستی و رفتار نسل‌های آینده را نمی‌توان با همان درجه اطمینان دانست. یک عدد واحد برای «آینده» ممکن است این تفاوت را پنهان کند.

واکنش رایج به عدم قطعیت دو شکل دارد: یا آن را نادیده می‌گیریم و یک پیش‌بینی رسمی را مبنا قرار می‌دهیم، یا آن‌قدر بر مجهولات تأکید می‌کنیم که تصمیم به تعویق می‌افتد. آینده‌پژوهی راه سوم را پیشنهاد می‌کند: عدم قطعیت را صریح کنیم، چند وضعیت متفاوت را بررسی و گزینه‌هایی را ترجیح دهیم که فقط به یک فرض وابسته نباشند.

«ابزار آینده» دولت بریتانیا نیز روش‌هایی مانند سناریو و آزمون راهبرد را برای همین هدف به کار می‌گیرد: نه برای حذف عدم قطعیت، بلکه برای دیدن اینکه تصمیم در برابر تغییر شرایط چقدر دوام می‌آورد. فرض کنید یک شرکت درباره ساخت کارخانه جدید تصمیم می‌گیرد. اگر طرح فقط با رشد سالانه بالا سودآور باشد، نسبت به آینده شکننده است. اما اگر بتوان سرمایه‌گذاری را مرحله‌ای، ظرفیت را توسعه‌پذیر یا بخشی از منابع را برای گزینه‌های جایگزین حفظ کرد، تصمیم در برابر خطای پیش‌بینی مقاوم‌تر می‌شود.

مدیریت عدم قطعیت به معنی آماده‌بودن برای همه چیز نیست. چنین کاری ممکن نیست و بسیار پرهزینه خواهد بود. مهم‌تر آن است که مشخص کنیم کدام عدم قطعیت‌ها می‌توانند تصمیم را واقعا تغییر دهند و برای آنها «نشانه» یا نقطه بازبینی تعریف کنیم. اگر یک فناوری از آستانه قیمت مشخصی عبور کرد یا مقررات تازه‌ای تصویب شد، شاید زمان تغییر مسیر فرا رسیده باشد.

پذیرفتن عدم قطعیت به معنای کنارگذاشتن دانش نیست. برعکس، مستلزم دقت بیشتر در بیان دانسته‌هاست.

باید بدانیم کدام بخش داده است، کدام بخش فرض، کجا احتمال قابل محاسبه داریم و کجا فقط با چند توضیح معقول روبه‌رو هستیم. تصمیم حرفه‌ای همیشه تصمیمی نیست که با بیشترین اطمینان بیان شود. گاهی تصمیم بهتر آن است که صادقانه بگوید چه چیزهایی را نمی‌داند، اما برای چند حالت متفاوت راه عمل دارد. ندانستن اگر پنهان شود خطر است؛ اگر شناخته شود، می‌تواند به بخشی از طراحی تصمیم تبدیل شود.

@shishehgar

# وقتی مشورت «خلاف شرع» می‌شود



قادرباستانی‌تبریزی

وقتی «مشورت» هم نیاز به مجوز دارد، باید پرسید پس «تدبیر» از کجا آغاز می‌شود. رأی تازه شورای نگهبان درباره ستاد فضای مجازی بیش از آنکه درباره آن ستاد باشد، درباره جایگاه رئیس‌جمهور در ساختار قدرت است. و درباره امیدی که جامعه به تصمیم‌های دولت بسته بود. در حکمرانی، هیچ‌چیز به اندازه روشن‌بودن مرز اختیارات و مسئولیت‌ها اهمیت ندارد. مردم باید بدانند چه کسی تصمیم می‌گیرد، چه نهادی مسئول اجرای تصمیم است و در صورت بروز خطا، چه کسی باید پاسخ‌گو باشد. اگر اختیار میان نهادهای متعدد دست‌به‌دست شود اما مسئولیت در نهایت بر دوش دولت و رئیس‌جمهور باقی بماند، حاصل آن بلاتکلیفی در اداره کشور خواهد بود. ماجرای نظر شورای نگهبان درباره تشکیل «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور» را باید در چنین چارچوبی بررسی کرد. شورای نگهبان تشکیل این ستاد را به دلیل موازی‌کاری با شورای عالی فضای مجازی، خلاف شرع تشخیص داده‌اند. ستادی که در اردیبهشت تشکیل شد تا در شرایط دشوار مدیریت فضای مجازی، هماهنگی دستگاه‌ها و ساماندهی تصمیم‌گیری‌ها را بر عهده بگیرد. این تصمیم در زمانی اتخاذ شد که محدودیت‌های گسترده اینترنت، زندگی روزمره مردم، فعالیت کسب‌وکارها و ارتباطات اقتصادی و اجتماعی کشور را با مشکلات جدی مواجه کرده بود. اهمیت ماجرا فقط در تشکیل یا انحلال یک ستاد نیست. این ستاد در اولین جلسه رسمی خود، پس از بررسی وضعیت اینترنت، با رأی ۹ نفر از ۱۱ عضو حاضر، بازگشت اینترنت به وضعیت پیش از دی‌ماه ۱۴۰۴ را تصویب کرد. این تصمیم البته محصول اراده یک جمع مستقل و خارج از دولت نبود. رئیس‌جمهور هم‌زمان ریاست دولت، شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی امنیت ملی را بر عهده دارد و سند تشکیل ستاد نیز با عنوان رئیس‌جمهوری اسلامی ایران و رئیس شورای عالی امنیت ملی از سوی او ابلاغ شده بود. باید پرسید، اگر رئیس‌جمهور در جایگاه عالی‌ترین مقام اجرایی کشور، برای هماهنگی دستگاه‌های زیرمجموعه خود و دریافت پیشنهادهای کارشناسی، امکان ایجاد یک ستاد مشورتی و اجرایی را نداشته باشد، دامنه اختیارات اجرایی او دقیقا کجاست؟ اصل ۱۳۸ قانون اساسی به دولت اجازه می‌دهد برای انجام وظایف اداری، تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری، تصویب‌نامه و آیین‌نامه وضع کند. مرز میان اختیار دولت برای اداره امور اجرایی و صلاحیت شورای عالی فضای مجازی چگونه تعیین می‌شود؟

استدلال فقهای شورای نگهبان بر این مبناست که شورای عالی فضای مجازی، مطابق حکم تشکیل و مأموریت‌های ابلاغی، مرجع متمرکز سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و هماهنگی در این حوزه است و ایجاد ساختار موازی با آن، با ترتیبات تعیین‌شده سازگار نیست. این استدلال را نمی‌توان بدون بررسی حقوقی کنار گذاشت. اما در مقابل، این سؤال هم جدی است که آیا هرگونه سازوکار کارشناسی و هماهنگی در دولت، حتی اگر تصمیم نهایی با رئیس‌جمهور باشد، لزوما به معنای ایجاد نهاد موازی است؟ آیا میان یک شورای سیاست‌گذار فراقوه‌ای و ستادی که قرار است به رئیس دولت در هماهنگی دستگاه‌های اجرایی کمک کند، هیچ تمایزی وجود ندارد؟

اصل مهم‌تر آن است که تفسیر حدود اختیارات نهادها نباید به تضعیف جایگاه دولت در ساختار اجرایی کشور منجر شود. دولت صرفا مجری تصمیم‌های دیگران نیست. رئیس‌جمهور در برابر مردم مسئول اداره کشور است و برای انجام این مسئولیت باید از اختیارات متناسب برخوردار باشد. نمی‌توان وقت انتخابات، مسئولیت‌های گسترده دولت را به مردم یادآوری و پس از انتخابات، ابزارهای اجرایی آن را چنان محدود کرد که حتی امکان هماهنگی در یکی از مهم‌ترین مسائل زندگی مردم نیز محل مناقشه شود. از طرف دیگر، اظهارنظر فقهای شورای نگهبان فقط به تشکیل ستاد محدود نیست. در گزارش منتشرشده، درباره برخی مصوبات مرتبط با راهبری شبکه ملی اطلاعات، تعیین‌تکلیف برای شورای عالی امنیت ملی و محدودکردن اختیار دستگاه‌ها در مواجهه با سکوهای دیجیتال نیز ایرادهایی مطرح شده است. سازوکار بررسی این پرونده نیز از مسیر دیوان عدالت اداری و با استناد به اصل چهارم قانون اساسی و ماده ۸۷ قانون دیوان انجام شده؛ یعنی نظر فقهای شورا در این موارد برای دیوان لازم‌الاتباع است. بنابراین، موضوع فقط یک اختلاف اداری میان دولت و نهادی دیگر نیست، بلکه به بحثی مهم درباره حدود صلاحیت‌ها و نسبت نهادهای مختلف در ساختار حکمرانی کشور تبدیل شده است.

با این همه، یک نکته را نباید نادیده گرفت که نظر شورای نگهبان به‌خودی‌خود به معنای صدور دستور قطع دوباره اینترنت یا بازگشت فوری محدودیت‌ها نیست. اظهارنظر درباره مغایرت شرعی مقررات مورد شکایت، با تصمیم عملی درباره وضعیت دسترسی مردم به اینترنت تفاوت دارد. حتی در گزارش منتشرشده هم باید میان ابطال مقررات مربوط به ستاد و تصمیم‌گیری درباره اصل محدودیت اینترنت تفکیک کرد. از این رو، نباید با انتشار خبرهای شتاب‌زده و تفسیرهای نادرست، نگرانی تازه‌ای به جامعه تحمیل کرد. اما نگرانی اصلی جای دیگری است. در شرایطی که کشور با فشارهای اقتصادی، نااطمینانی‌های امنیتی و پیامدهای جنگ روبه‌رو است، اختلافات نهادی چه کمکی به حل مسائل مردم می‌کند؟ اینترنت امروز دیگر یک ابزار تفریحی یا وسیله ارتباطی فرعی نیست. زیرساخت اشتغال، تجارت، آموزش، اطلاع‌رسانی و ارتباطات اجتماعی است. هر روز بلاتکلیفی در این حوزه، هزینه‌ای واقعی به میلیون‌ها شهروند و هزاران کسب‌وکار تحمیل می‌کند. در چنین شرایطی، حتی اگر درباره مبانی حقوقی تصمیم دولت اختلاف‌نظر وجود داشته باشد، انتظار می‌رود مسیر حل اختلاف به‌گونه‌ای انتخاب شود که زندگی مردم متوقف نماند. مهم‌تر از همه، نباید پیامد اجتماعی این مناقشات را دست‌کم گرفت. دولت با وعده شنیدن صدای جامعه و اصلاح برخی سیاست‌های محدودکننده، برای بخشی از افکار عمومی امید ایجاد کرد. اکنون اگر این تصور شکل بگیرد که رأی مردم در انتخاب رئیس‌جمهور تأثیری در سیاست‌های اجرایی ندارد و دولت حتی در حوزه‌ای مانند اینترنت نیز اختیار مؤثری در اختیار ندارد، فاصله میان جامعه و نهادهای رسمی بیشتر خواهد شد. اعتماد عمومی سرمایه‌ای نیست که بتوان آن را بی‌محابا هزینه کرد و در زمان نیاز دوباره به دست آورد. زندگی با حرکت ممکن است و چوب لای چرخ گذاشتن راه به جایی نمی‌برد. راهبرد عاقلانه این است که به‌جای دعوا بر سر حدود اختیار، به پاسخ‌گویی نهایی فکر کنیم. نظامی که می‌خواهد مردم را دلسرد نکند، باید روشن کند هر تصمیمی را چه کسی می‌گیرد و چه کسی پاسخ‌گوی نتیجه آن است. اگر این روشن شود، از همین رأی هم می‌شود فرصتی برای بازتعریف نظم حقوقی ساخت.

روزها

# پرویز شهریاری و دغدغه‌های امروز

هوشنگ‌شرقی
سردبیر مجله همگام با ریاضی

امسال، صدمین زادروز زنده‌یاد پرویز شهریاری است و این مناسبتی برای گفتن از اوست. من البته پیش از این دراین‌باره چند یادداشت (به مناسبت نخستین و دومین سالگرد درگذشت ایشان) در همین روزنامه نگاشته‌ام. اما امروز چه باید بنویسم؟ درباره خدمات عظیم فرهنگی ایشان، دیگران بارها گفته و نوشته‌اند و به همین خاطر جایزه چهره ماندگار علمی و فرهنگی در شاخه ریاضیات و دو دکترای افتخاری دانشگاه را به ایشان اهدا کردند و پنج، شش جلد کتاب فقط درباره زندگی و کارهای ایشان و در زمان حیات پربارشان تألیف و چند فیلم مستند هم درباره زندگی‌شان ساخته شد و طنز تلخ آنکه شخصیتی با این کارنامه وزین علمی و فرهنگی (که به گفته استاد ابراهیم داراپی، نویسنده معاصر و از علاقه‌مندان استاد که عمرش دراز باد، هرجای دیگری بود مجسمه‌اش را در یکی از میادین اصلی شهر بنا می‌کردند) نزد مسئولین امر آموزش و پرورش یا متولیان شهر (تهران یا زادگاهش کرمان) چنان ارج و قربی نداشته که حتی نام یک مدرسه یا یک معبر و کوچه به نام او گذاشته شود. با این مقدمه ترجیح می‌دهم فقط به بازخوانی برخی از دغدغه‌ها و توصیه‌های استاد به نسل امروز بپردازم و به بیان دیگر بگویم: اگر امروز پرویز شهریاری زنده بود، در آستانه صدسالگی به ما چه می‌گفت و دغدغه‌اش چه بود؟ با نگاهی به آخرین نشریه‌ای که استاد سردبیری کردند، یعنی مجله وزین «دانش و مردم» که علی‌رغم سادگی در چاپ و کم‌هزینه‌بودن، به‌راستی نشریه‌ای پربار و کم‌نظیر در ترویج و عمومی‌کردن دانش بود (و به همین خاطر به‌حق لوح تقدیر پنجمین دوره جایزه ترویج علم ایران را در ۱۵ اسفند ۱۳۸۱ دریافت کرد) به مرور برخی از این دغدغه‌ها، به‌ویژه از میان سرمقاله‌های ایشان، می‌پردازم: ۱- یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های استاد، مسئله کنکور سراسری و تست و آثار مخرب فرهنگی و اجتماعی آن برای جوانان کشور بود که بسیار نگران آنان و مشکلاتشان بود: «دانش‌آموز ایرانی چاره‌ای برای خود نمی‌بیند، جز اینکه وارد دانشگاه بشود، چراکه بعد از دیپلم دبیرستان، کاری درخور برای او فراهم نیست. برای ورود به دانشگاه هم، دغدغه کنکور او را راحت نمی‌گذارد. از همان روزهایی که وارد کلاس‌های راهنمایی می‌شود، نگرانی و تشویش کنکور او را آرام نمی‌گذارد. کنکور با تست برگزار می‌شود، بنابراین باید با تست آشنا شد. بنگاه‌های ریز و درشتی هم این خوراک را برای او آماده می‌کنند. هر دو هفته یک بار باید خود را آزمایش کند. مدارس غیرانتفاعی و تیزهوشان هم به این امر دامن می‌زنند. دانش‌آموز از معلم خود تست می‌خواهد و به مفهوم‌ها کاری ندارد، چه رسد به تاریخ دانش، فلسفه دانش و کاربردهای آن. نمی‌داند چه رشته‌ای در انتظار اوست. ده‌ها رشته را انتخاب می‌کند که بسیاری از آنها با ذوق او تطبیق ندارد. تازه اگر به دانشگاه راه پیدا کند، دوران سرگردانی او چهار سال عقب‌تر می‌رود... کنکور، دانش مملکت را ویران می‌کند. هیچ دانش‌آموزی -اگر هم علاقه‌مند باشد- کتاب نمی‌خواند، به هنری که دل بسته نمی‌تواند برسد، تفریح نمی‌کند، دائم همراه با خانواده و اطرافیان خود در تشویش و نگرانی به سر می‌برد و آن وقت ما انتظار داریم راه آینده خود را انتخاب کند. باید برای کنکور دانشگاه فکری کرد... تا کنکور دانشگاه‌ها به این صورت ادامه دارد، منتظر هیچ درخششی در دانش مملکت نمی‌توان بود. هر مشکلی راه چاره دارد. باید روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و دیگر ویژه‌کاران را دور یک میز گرد آورد، زیان‌های وجود کنکور را برای آنها برشمرد و از آنها خواست تا راه‌حلی برای آن پیدا کنند. نمی‌دانم این همه سمینار و نشست که تشکیل می‌شود، چرا یکی از آنها درباره کنکور نیست» (دانش و مردم، شماره ۷ - آذر ۱۳۷۹). ۲- طبقاتی‌شدن آموزش و پرورش، از دیگر دغدغه‌های استاد بود: «تقسیم ناعادلانه ثروت، امکان‌ها را از مردم می‌گیرد، ذوق و علاقه خود را فراموش می‌کنند و درگیر مسائل روزمره زندگی می‌شوند. هنوز برای همه مردم شرایط تحصیلی فراهم نیست. هنوز بسیاری از کودکان و نوجوانان ما به‌جای پیروی از ذوق و عشق خود، به دنبال نان برای خود و خانواده‌اند... قانون اساسی ما تحصیل از پایین‌ترین تا بالاترین درجه را رایگان دانسته، ولی در همین تهران (و نه‌تنها در تهران) انواع مدرسه‌ها با شهریه‌های سرسام‌آور وجود دارد که بهترین معلمان را در خود جای داده‌اند. مدرسه‌های دولتی هم پول می‌گیرند، ولی نه به اسم شهریه، بلکه به نام همیاری، کمک و... تا زمانی که آموزش در درجه نخست قرار نگیرد و تا وقتی نخواهیم هزینه اصلی کشور را روی آموزش بگذاریم، نمی‌توانیم امید داشته باشیم فاصله ما با جهان متمدن کم شود» (دانش و مردم شماره ۶ - آبان ۱۳۷۹). ۳- پرداختن به تاریخ ریاضیات ایران (و جهان) و به‌ویژه آشنایی نسل جوان و دانش‌آموزان و دانشجویان با ریاضی‌دانان ایرانی کهن (و معاصر) و دستاوردهای آنان از دیگر دغدغه‌های اصلی استاد بود: «در یک کتاب درسی جبر که برای دبیرستان‌های کانادا نوشته شده است، خوارزمی را «محمد ابو موسی الخوارزمی» گفته‌اند... در همین کتاب درسی به دنبال مطلب آمده است: «او از نویسندگان عرب بود و کتاب مشهور او الجبر است». معلوم نیست خوارزمی ریاضی‌دان و اخترشناس ایرانی، کی و چگونه به نویسنده عرب تبدیل شده است. شگفتی بیشتر در اینجاست که ترجمه همین چند سطر و به همان صورت نادرست خود به کتاب درسی ریاضیات دبیرستانی ایران هم وارد و یک ریاضی‌دان ایرانی به دانش‌آموزان کشور ما «نویسنده عرب» معرفی شد» (دانش و مردم شماره ۴ - تیر ۱۳۷۹). ۴- در خاتمه به دو دغدغه دیگر استاد که بشخصه از ایشان به یاد دارم اشاره‌ای گذرا می‌کنم. اول، صلح‌طلبی و مخالفت با جنگ و به‌ویژه تهاجم خارجی و دوم، مخالفت جدی با مهاجرت دائمی جوانان و به‌ویژه تحصیل‌کردگان به کشورهای غربی و زندگی در آنجا. بارها از ایشان شنیدم: خوب است برای تحصیل به کشورهای پیشرفته بروید و دانشی بیاموزید، ولی آنجا نمانید و به ایران برگردید و دین خود را به کشورتان ادا کنید.

خبرخوانی

# حکم ۷۴ ضربه شلاق پرستو احمدی و چهار نفر از عوامل کنسرت اجرا شد

مصطفی نیلی، وکیل دادگستری، به امتداد گفت حکم ۷۴ ضربه شلاق پرستو احمدی و چهار نفر از عوامل تولید «کاروانسرای تاریخی دیرگچین» امروز اجرا شد. به گفته او، پرستو احمدی، سهیل فقیه‌نصیری، امین طاهری، امیرعلی پیرنیا و محسن لشکری پس از صدور و تأیید حکم و ارسال پرونده به اجرای احکام، در اجرای احکام دادسرای قم حاضر شدند و حکم شلاق درباره آنان اجرا شد. این پرونده به اجرای زنده پرستو احمدی در کاروانسرای تاریخی دیر گچین قم بازمی‌گردد. ویدئوی این اجرا در ۲۱ آذر ۱۴۰۳ در کانال یوتیوب او منتشر شد. احمدی در این اجرا با پوششی متفاوت آواز خواند و گروهی از نوازندگان مرد او را همراهی کردند. این اجرا در فضای مجازی با عنوان «کنسرت فرضی» شناخته شد. پس از انتشار ویدئو، برای احمدی و دست‌اندرکاران اجرا پرونده قضائی تشکیل شد. شعبه ۱۲۲ دادگاه کیفری دو قم آنان را به اتهام «جریحه‌دارکردن عفت عمومی از طریق تولید و انتشار محتوای مبتذل و خلاف اخلاق در فضای مجازی» محکوم کرد. براساس حکم، مجازات هریک ۷۴ ضربه شلاق تعزیری، دو سال محرومیت از فعالیت‌های هنری و موسیقایی و دو سال ممنوعیت خروج از کشور بود. شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان قم حکم را تأیید کرد و پرونده برای اجرا به اجرای احکام فرستاده شد. نیلی می‌گوید حکم شلاق پنج نفر از محکومان اجرا شده است.